

أَوَيْسِنَا

مابعدالطبيعة ابن سينا در غرب قرون وسطا

D. N. Hasse & A. Bertolacci
***The Arabic, Hebrew and Latin Reception of
Avicenna's Metaphysics (selections)***
de Gruyter, 2011;
J. Janssens
**"Ibn Sīnā (Avicenna)", Latin Translations of.
In *Encyclopedia of Medieval Philosophy*
Springer, 2020**

سرشناسه: نیک‌زاد، علی، ۱۳۷۰-، گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور: اویسنا؛ مابعدالطبیعه ابن سینا در غروب قرون وسطا:
مجموعه مقالات/ ترجمه [و گردآوری] علی نیک‌زاد؛ ویراستار علمی سعید انواری
مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.

شابک: 978-622-7765-32-8

عنوان دیگر: مابعدالطبیعه ابن سینا در غروب قرون وسطا: مجموعه مقالات
موضوع: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰-۴۲۸ ق. -- دیدگاه دربارهٔ مابعدالطبیعه
موضوع: مابعدالطبیعه -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسهٔ افزوده: انواری، سعید، ۱۳۵۵-، ویراستار علمی
رده‌بندی کنگره: BBR۵۲۱
رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۶۰۵۷۷

اویسنا

مابعدالطبیعه ابن سینا در غرب قرون وسطا

مجموعه مقالات

ترجمه علی نیکزاد



نشر کردن

همه حقوق برای نشر کرگدن محفوظ است.
www.kargadanpub.com
telegram.me/kargadanpub
instagram.com/kargadan.pub



اَویسنا؛ مابعدالطبیعه ابن سینا در غرب قرون وسطا

مترجم: علی نیک‌زاد

ویراستار علمی: سعید انواری

ویراستار زبانی: فاطمه حمصیان کاشان

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: زعفران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۶۵-۳۲-۸

چاپ اول: ۱۴۰۲

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

فهرست

۱	پیش‌گفتار / سعید انواری
۳	مقدمه / علی نیک‌زاد
۱۱	ترجمه‌های لاتینی ابن‌سینا / ژول ژانسنس
۲۷	سه دورهٔ بازتابِ لاتینی مابعدالطبیعهٔ ابن‌سینا پیش از آلبرت کبیر / آئس برتلاچی
۵۹	بازتابِ لاتینی نظریهٔ ابن‌سینا دربارهٔ تفرد / مارتین پیکاو
	بررسی دو معنای «امر مشترک» با توجه به آموزهٔ ابن‌سینا راجع به ماهیت و دیدگاه
۸۵	آکویینی دربارهٔ تفرد / گبریه گلتوسو
	بازتابِ لاتینی نظریهٔ واهب‌الصورِ ابن‌سینا، خصوصاً در آثار آلبرت کبیر /
۱۲۵	داگ نیکلاس هاسه
۱۵۵	نظر ابن‌سینا و آکویینی دربارهٔ صورت و تکوین / کارا ریچاردسن
۱۸۹	نظر ابن‌سینا و اسکُتوس دربارهٔ چیستی شیئی / جُرجو پینی
۲۲۱	نظر ابن‌سینا و آکویینی دربارهٔ تجرید و غیرمادّیت / پاسکوآله پُرو
۲۷۳	واژه‌نامه
۲۷۷	اعلام
۲۸۱	منابع مورد استفادهٔ مترجم
۲۸۵	منابع مقالات

پیش‌گفتار

تاکنون در ایران در زمینه تأثیرات فلسفه اسلامی بر متفکران قرون وسطا تحقیقات اندکی انجام شده است. در زبان فارسی، تنها در چند منبع محدود، که به فلسفه قرون وسطا پرداخته‌اند، به صورت جسته‌وگریخته، به اثرگذاری فلسفه ابن‌سینا بر متفکران قرون وسطا اشاره شده،^۱ اما در هیچ‌یک به‌نحو تخصصی و با ذکر شواهد و نقل قول از آثار فلاسفه قرون وسطا به بررسی این امر پرداخته نشده است.^۲ غیر از این منابع، در برخی از کتاب‌هایی نیز که بیشتر جنبه عمومی و تاریخی دارند به این اثرگذاری اشاره شده است (مانند تاریخ فلسفه ویل دورانت و کارنامه اسلام زرین‌کوب و تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطا از مونتگمری وات).^۳ این حوزه از تحقیقات، به دلیل نیاز به آشنایی با زبان لاتینی، عمدتاً در ایران مغفول مانده و حجم اندکی از پژوهش‌های تطبیقی به آن اختصاص داده شده است.

جناب آقای مهندس علی نیک‌زاد مجموعه حاضر را، که حاوی هشت مقاله در زمینه تأثیرات فلسفه ابن‌سینا بر متفکران قرون وسطا است، ترجمه کرده‌اند.

۱. عموماً در کتاب‌های تاریخ فلسفه، مانند تاریخ فلسفه فردریک کاپلستون (جلد دوم و سوم) و تاریخ فلسفه امیل بریه (تاریخ فلسفه قرون وسطا و دوره تجدید) و تاریخ فلسفه در قرون وسطا و رنسانس تألیف دکتر محمد ایلخانی به مواردی از اثرگذاری ابن‌سینا بر متفکران قرون وسطا اشاره شده است.

۲. تحقیقات و رساله‌های دانشگاهی اندکی نیز در این حیطه نوشته شده است. به‌عنوان مثال، کتاب تأثیر ابن‌سینا بر فلسفه دنس اسکوتوس از مهدی عباس‌زاده و چند رساله درمورد مقایسه برخی از آرای ابن‌سینا و توماس آکویناسی.

۳. نک: مقاله «تأثیر آرای ابن‌سینا بر فلسفه اروپا در قرون وسطا»، علیرضا آزاد و همکاران، مجله آموزه‌های فلسفه اسلامی، ش ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۳-۲۳.

ایشان از فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف هستند که از مقطع کارشناسی ارشد به رشته فلسفه وارد شده‌اند. آقای نیک‌زاد در حال حاضر در مقطع دکترای رشته فلسفه دین تحصیل می‌کند و مدتی است، با آموختن زبان‌های لاتینی و یونانی، وارد مطالعه در حوزه اثرگذاری ابن‌سینا بر فلاسفه قرون وسطا شده‌اند. امید است این کتاب بخشی از خلأ موجود را در این حیطة در زبان فارسی جبران نماید و زمینه را برای پرداختن بیشتر به تأثیرات فلاسفه اسلامی بر متفکران قرون وسطا فراهم کند.

سعید انواری

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

۱. پیش از این، یک مقاله دیگر در این زمینه ترجمه شده است: ژول ژانسن. (۱۳۹۲). ابن‌سینا و میراث او در جهان اسلام و غرب لاتینی. در مصطفی امیری (مترجم)، ابن‌سینا پژوهی: مجموعه مقالاتی در معرفی آرا، احوال و آثار ابن‌سینا (صص ۵۹۳-۶۰۹). تهران، خانه کتاب.

مقدمه

ما به‌طور سنتی فلسفهٔ اسلامی را از ظرف مکانی و زمانی آن منتزع می‌کنیم و تاریخ آن را در پژوهش‌های خود نادیده می‌گیریم. اما همان‌طور که نگاه تاریخی جای بررسی دقیق استدلال‌ها را نمی‌گیرد، حذف تاریخ نیز به پنهان ماندن جنبه‌هایی از حقیقت می‌انجامد. نباید به بستر تاریخی پیدایش و بسط یک فلسفه همچون علتی مُعده نگریست که با دیگر علل مُعده قابل جایگزینی است. بستر تاریخی در متن فلسفه‌ورزی اثر می‌گذارد. بارزترین گواه این سخن رویداد ترجمه است. باید پرسید کدام نسخه‌های خطی، با کدام ترتیب زمانی و به دست چه کسانی، ترجمه شده‌اند و ترجمهٔ نهایی به چه متفکری انتساب پیدا کرده است. همهٔ این عوامل در سرنوشت یک فلسفه بیش‌وکم اثرگذارند.

صرف‌نظر از حکمت‌های چینی و هندی، ماجرای فلسفه در قرون میانه، یعنی از قرن پنجم میلادی و پس از سقوط بخش غربی امپراتوری روم تا قرن پانزدهم و ظهور عصر رنسانس، حاصل برهم‌کنش سه فرهنگ و جغرافیای متفاوت است: امپراتوری روم شرقی (بیزانس)، امپراتوری اسلامی و غرب لاتینی. امپراتوری یونانی‌زبان بیزانس نگهبان گنجینهٔ آثار باستانی یونانی و رومی بود. این در حالی است که، پس از سقوط بخش غربی امپراتوری روم به دست بربرهای ژرمن در قرن پنجم، بسیاری از نسخه‌های خطی موجود در غرب از بین رفتند و غرب لاتینی تا قرن دهم در تاریکی و رخوت فرورفت. مسلمانان، با تصرف بخش‌هایی از روم شرقی در قرن هفتم، به منابع یونانی و سریانی دسترسی پیدا کردند. همین امر به

آغاز نهضت ترجمه در میانهٔ قرن هشتم منتهی شد. از سوی دیگر، فتح اسپانیا در قرن هشتم پای فرهنگ اسلامی را به آن اقلیم باز کرد. با بازپس‌گیری بخش‌هایی از اسپانیا به دست مسیحیان لاتینی در قرن یازدهم، ترجمهٔ آثار عربی به زبان لاتینی قوت گرفت. در این زمان، نه منابع یونانی کافی در اختیار لاتینی‌ها قرار داشت نه محققان زیادی وجود داشتند که یونانی بدانند. طی جنگ‌های صلیبی سه ضلع یادشده در مقابل هم قرار گرفتند. نخست، در ۱۰۹۵، مسیحیان امپراتوری روم شرقی با مسیحیان غرب لاتینی متحد شدند و به مسلمانان حمله کردند، اما در ادامه مسیحیان غربی وارد نزاع با مسیحیان شرقی شدند و بالاخره در ۱۲۰۴ پایتخت بیزانس را فتح کردند. به دنبال این اتفاق، دسترسی مسیحیان لاتینی به منابع یونانی موجود در قسطنطنیه تسهیل شد و ترجمهٔ یونانی به لاتینی رونق تازه‌ای گرفت. در نهایت، با سقوط امپراتوری روم شرقی به دست ترکان عثمانی در ۱۴۵۳ و مهاجرت محققان بیزانسی به غرب، ترجمهٔ آثار یونانی به حد کمال رسید و عصر رنسانس پدید آمد. با تغییر در تقدم و تأخر هریک از این پیشامدها یا روی ندادنشان، این امکان وجود داشت که تأثیر فلسفهٔ اسلامی بر غرب از اساس شکل دیگری پیدا کند.

شایان ذکر است که پژوهشگران غربی تا چندین دهه تنها به پنج فیلسوف اسلامی توجه داشتند: کندی، فارابی، ابن‌سینا، غزالی و ابن‌رشد. تنها دلیل این امر آن بود که برخی از آثار این پنج متفکر در قرون وسطا به زبان لاتینی ترجمه شده بودند. بر این اساس، تلقی مرسوم آن بود که فلسفهٔ اسلامی پس از ابن‌رشد به پایان رسیده است. اما طی دهه‌های گذشته، به دلایل مختلف، این سد شکسته شده و مطالعات اسلامی در غرب دیگر محدود به این پنج تن نیست. امروزه دغدغهٔ پژوهشگران غربی صرفاً این نیست که مسلمانان چگونه آثار یونانی را به عربی ترجمه کردند و چه فراورده‌ای به لاتینی‌های قرون وسطا تحویل دادند، یا به‌طور خلاصه چه از غرب گرفتند و چه به غرب دادند.

به نظر می‌رسد نقطه‌قوت مطالعات غربی در بررسی ریشه‌های یونانی و بازتاب‌های لاتینی فلسفهٔ اسلامی دقیقاً همان نقطه‌ضعف پژوهش‌های فلسفی ما در ایران است، علاوه‌براینکه نقطه‌قوت احتمالی محققان غربی در آینده نیز هم‌اکنون

جزء نقاط قوت ما به شمار نمی‌آید. ما، جز مطالعه چند فیلسوف محدود و بحث و تحقیق در سنت صدرایی، تقریباً از بسیاری از گنجینه‌های فکری خود غافل‌ایم. باری، ریشه‌های یونانی فلسفه اسلامی باید بسیار بیش از امروز مورد توجه ما باشند، به‌ویژه که بین عصر تألیف آثار افلاطون و ارسطو و ترجمه آنها به عربی بیش از هزار سال فاصله افتاده است. ما نه تنها باید افلاطون و ارسطو را به دقت و به یونانی بشناسیم، که باید از سنت‌های فکری موجود در این هزار سال و ابعاد مختلف نهضت ترجمه نیز اطلاع داشته باشیم. صرف اینکه ببینیم کدام استدلال فیلسوف مسلمان به نظر ما درست است و کدام یک غلط، پاسخ بسیاری از سؤالات اساسی ما را نخواهد داد. بر همین قیاس، تأثیرات فلسفه اسلامی بر جهان لاتینی نیز به یک معنا چیزی جدا از فلسفه اسلامی نیست. بازخوانی تفسیرها، تفصیل‌ها و نقدهای متفکران مسیحی بر آثار فیلسوفانی همچون ابن‌سینا به غنای فلسفه اسلامی خواهد افزود. ایشان نه تنها پروای عقلانیت و فلسفه‌ورزی داشته‌اند، که شالوده بسیاری از دغدغه‌های دینی‌شان نیز مشابه دغدغه‌های ما است.

کتابی که اکنون در دست دارید شامل ترجمه مقالاتی درباره بازتاب آرای اندیشمندان مسلمان، به‌طور مشخص ابن‌سینا، در غرب لاتینی است. پرداختن به این موضوع از دو جهت حائز اهمیت است.

۱. قرار دادن فلسفه اسلامی در بستر تاریخی آن و مقایسه آن با سلف یونانی و خلف لاتینی‌اش چه‌بسا ما را به شناخت بهتری از قوت‌ها و ضعف‌های خود فلسفه اسلامی نائل کند و به تفکرمان پویایی بیشتری بدهد. متفکران لاتینی گاه از زاویه‌ای به فلسفه اسلامی و مابعدالطبیعه ابن‌سینا نگریسته‌اند که شاید در سنت ما سابقه‌ای نداشته باشد. از سوی دیگر، گاه به فلسفه ابن‌سینا همان انتقاداتی را وارد کرده‌اند که مشابه آنها را نزد متکلمان مسلمان نیز می‌توان سراغ گرفت. این درحالی است که، به خلاف متکلمان مسلمان، متفکران لاتینی بعضاً ابن‌سینا را نه به سبب پیروی‌اش از ارسطو، که به دلیل عدم پیروی‌اش از ارسطو نقد کرده‌اند. این مسائل نشان می‌دهند که بررسی بازتاب فلسفه اسلامی در مغرب‌زمین می‌تواند دریچه‌های تازه‌ای به روی فلسفه‌پژوهان مسلمان بگشاید.

۲. به نظر می‌رسد امروزه با دو ادعای مهم دربارهٔ فلسفهٔ اسلامی مواجه‌ایم. نخست اینکه، پس از ترجمهٔ آثار فلسفی یونان به زبان عربی در دوران طلایی تمدن اسلامی، فیلسوفان مسلمان توانستند فلسفهٔ ناقص یونان را تکمیل کنند؛ مسائل آن را به‌شدت گسترش دهند؛ مبانی آن را متحول کنند و درنهایت از آن بی‌نیاز شوند. در عمل نیز فیلسوفان مسلمان به همین دلیل، مواجههٔ مستقیم با متن ارسطو را از زمانی به بعد کنار گذاشتند و به‌جای خواندن آثار ارسطو آثار ابن‌سینا را خواندند. علت این بود که ایشان پس از ابن‌سینا خود را از خواندن آثار ارسطو بی‌نیاز می‌دانستند. سعی مترجم کتاب حاضر بر آن است که صحت این ادعا را در آثار دیگری بسنجد. ادعای دوم این است که استفاده از منابع اسلامی علت اصلی تمامی پیشرفت‌های جهان غرب بوده است. در واقع، جمع‌بندی ادعای اول و دوم این است که فلسفهٔ اسلامی به تعبیری آغاز و پایان اندیشهٔ فلسفی است. دربارهٔ ادعای دوم می‌توان گفت هرچند تأثیر شگرف دستاوردهای علمی و فرهنگی مسلمانان بر ملل اروپایی انکارشده نیست، ضرورت دارد دربارهٔ میزان و عمق این تأثیر تأمل کنیم و بپرسیم چرا فرهنگ اسلامی در قرون میانه به چنین درخششی دست پیدا کرده بود. آیا بالندگی آن با کناره‌گیری از دیگر فرهنگ‌ها و اتکای مطلق بر داشته‌های خویش حاصل شده یا نتیجهٔ تعامل فعالانه با دیگر فرهنگ‌های برجستهٔ بشری و جذب سرمایه‌های فکری آنان بوده است؟ در مجموعه مقالات پیش رو، خواهیم دید که متفکران مهم لاتینی، از جمله توماس آکوئینی، آلبرت کبیر و دونس اسکوتوس، ابن‌سینا را یکی از اندیشمندان برجسته در سنت فکری برخاسته از یونان می‌دانسته‌اند و درعین حال مواجهه‌ای نقادانه با او داشته‌اند؛ البته، به اعتراف پژوهشگران غربی، شماری از این نقدها ناشی از سوءبرداشت یا سوءفهم ایشان بوده است.

عنوانی که برای کتاب برگزیده‌ام «اویسنا» است. دلیل انتخاب این عنوان آن است که لاتینی‌های قرون‌وسطا نام ابن‌سینا را «Avicenna» ضبط کرده‌اند. مشابه این فرایند برای نام ابن‌رشد نیز اتفاق افتاده است. از او در آثار لاتینی با عنوان «Averroes» یاد می‌شود. امروزه نام ابن‌سینا در آثار انگلیسی به‌صورت

«Avicenna» و در آثار فرانسوی به شکل «Avicenne» دیده می‌شود. البته این گرایش میان برخی محققان معاصر پدید آمده که نام ابن سینا را همان «Ibn Sina» ثبت کنند. عنوان «اویسنا» با نگاه به تلفظ انگلیسی این کلمه انتخاب شده، زیرا خوانندگان محترم احتمالاً با آن آشنا تر هستند.

کتاب حاضر شامل هشت مقاله است. مقاله اول ترجمه یکی از مدخل‌های *دائرة المعارف فلسفه قرون وسطا* به قلم ژول ژانسنس^۱ است:

Ibn Sina (Avicenna), Latin Translations of, *Encyclopedia of Medieval Philosophy: Philosophy between 500 and 1500*, 2nd ed. 2020. Springer.

ژانسنس استاد فلسفه دانشگاه لوییون^۲ بلژیک است و به شکل تخصصی در مورد فلسفه اسلامی و ابن سینا پژوهش می‌کند. او در این مقاله به طور خلاصه به تاریخچه ترجمه آثار ابن سینا به لاتینی و بازتاب این آثار در میان متفکران لاتینی پرداخته است.

هفت مقاله بعدی ترجمه مقالاتی از کتاب *بازتاب عربی، عبری و لاتینی مابعدالطبیعه ابن سینا* هستند:

The Arabic, Hebrew and Latin Reception of Avicenna's "Metaphysics".

Dag Nikolaus Hasse & Amos Bertolacci (eds.). 2011. De Gruyter.

کتاب مورد اشاره شامل سه بخش عربی، عبری و لاتینی است که مجموعه پیش رو دربرگیرنده مقالات بخش لاتینی آن است. در پایان هر یک از این مقالات هفتگانه خلاصه‌ای کوتاه به قلم مترجم آورده شده است.

نخستین مقاله از این هفت مقاله حاوی نظریه‌ای درباره تاریخ انعکاس فلسفه ابن سینا در غرب است. نویسنده این مقاله، آمس برتلاچی^۳، استاد فلسفه قرون وسطا در دانشگاه لوکای^۴ ایتالیا است. او به شکل مشخص درباره تأثیر ابن سینا بر فلسفه غرب پژوهش می‌کند و در این موضوع تألیفات فراوانی دارد. مدخل «مابعدالطبیعه عربی و اسلامی»^۵ در *دانشنامه استنفرد* از آثار او است.

1. Jules Janssens

2. Leuven

3. Amos Bertolacci

4. Lucca

5. Arabic and Islamic Metaphysics

مقاله بعدی به بازتاب لاتینی نظریه ابن سینا درباره تفرّد می‌پردازد. نویسنده این مقاله، مارتین پیکاو،^۱ استاد فلسفه قرون وسطا در دانشگاه تورنتو است.

در مقاله چهارم کتاب حاضر به این مسئله پرداخته می‌شود که، بر اساس آرای ابن سینا و توماس آکوینسی، آیا ممکن است ماهیت خارجی امری مشترک یا شرکت‌پذیر محسوب شود. نویسنده این مقاله، گبریه گلوئسو،^۲ استاد فلسفه دوره باستان و قرون وسطا در دانشگاه اکستر^۳ انگلستان است.

مقاله بعدی درباره بازتاب‌های مفهوم واهب‌الصور در فلسفه لاتینی است. نویسنده مقاله، داگ نیکلاس هاسه،^۴ استاد فلسفه قرون وسطا در دانشگاه وورتسبرگ^۵ آلمان است. او مدخل «تأثیر فلسفه عربی و اسلامی بر غرب لاتینی»^۶ را برای *دانشنامه استنفرد* نگاشته است.

موضوع مقاله ششم مقایسه آرای ابن سینا با توماس آکوینسی در باب تکوین صورت‌های جوهری است. نویسنده این مقاله، کارا ریچاردسن،^۷ استاد فلسفه قرون وسطا در دانشگاه سیراکیوس^۸ آمریکا است. او کتب و مقالات متعددی درباره ابن سینا به رشته تحریر درآورده است. مدخل «علیت در اندیشه عربی و اسلامی»^۹ در *دانشنامه استنفرد* از آثار او است.

مقاله بعدی به بازتاب نظریه ابن سینا راجع به شیئیت در آثار دونس اسکوتوس می‌پردازد. نویسنده این مقاله، جرجو پینی،^{۱۰} استاد فلسفه دانشگاه فردم^{۱۱} آمریکا است. او تألیفات متعددی درباره دونس اسکوتوس دارد.

مقاله آخر شاید مهم‌ترین اثر در این مجموعه باشد. به عقیده ابن سینا، هم خدا و هم موجود بما هو موجود اموری غیرمادی هستند، اما نوع غیرمادی بودن آنها از نظر او یکسان نیست. آکوینسی این آموزه را از ابن سینا اقتباس کرده، اما به نحوی آن را به کار گرفته که مخالف مقاصد ابن سینا است. نویسنده این مقاله،

1. Martin Pickavé

2. Gabriele Galluzzo

3. Exeter

4. Dag Nikolaus Hasse

5. Würzburg

6. Influence of Arabic and Islamic Philosophy on the Latin West

7. Kara Richardson

8. Syracuse

9. Causation in Arabic and Islamic Thought

10. Giorgio Pini

11. Fordham

پاسکواله پُرو،^۱ استاد فلسفه قرون وسطا در دانشگاه تورین^۲ است. مدخل «هنریکوس خنتی»^۳ در *دانشنامه استنفرد* از آثار او است.

نویسندگان مقاله‌های کتاب حاضر قطعات لاتینی فراوانی در مقاله‌هایشان آورده‌اند. اصل لاتینی این قطعات، به جهت ناآشنایی احتمالی خواننده فارسی با این زبان، در کتاب پیش رو درج نشده‌اند. نویسندگان برخی از قطعات لاتینی را در متن مقاله‌ها و برخی را در پانویس یا ضمائم آورده‌اند. همه قطعات لاتینی مندرج در متن مقالات به فارسی ترجمه شده‌اند. قطعات لاتینی مندرج در پانویس یا ضمائم به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف. قطعاتی از ترجمه‌های لاتینی آثار ابن سینا و ابن رشد؛ ب. قطعاتی لاتینی متعلق به مؤلفان لاتینی که نویسنده مقاله ترجمه انگلیسی آنها را در متن آورده؛ ج. قطعاتی متعلق به مؤلفان لاتینی که نویسنده مقاله ترجمه انگلیسی آنها را در متن مقاله نیاورده است. در مورد الف، به جای ترجمه لاتینی، اصل عربی قطعات را در پانویسها آورده‌ام. در مورد ب، از درج قطعات لاتینی اجتناب کرده و با نگاه به ترجمه انگلیسی آنها، این قطعات را در متن مقاله‌ها به فارسی ترجمه کرده‌ام. در مورد ج، ترجمه فارسی بعضی از قطعات را در پانویسها درج کرده‌ام. علاوه بر اینها، در مقالات این مجموعه به دفعات از فیلسوفان یونانی، به خصوص ارسطو، نقل قول شده است. در مواردی که ابهامی در ترجمه‌های انگلیسی وجود داشت یا قطعه مورد استناد از اهمیت خاصی برخوردار بود، ترجمه به فارسی را با رجوع به اصل یونانی قطعات صورت دادم.

در ضبط اسامی کوشیده‌ام در اغلب موارد از واو بدل ضمه بهره‌نگیرم. برای مثال، ضبط متداول نام «Scotus» در فارسی به صورت «اسکوتوس» است. در این ضبط واو اول مصوت کوتاه و واو دوم مصوت بلند است، اما ممکن است خواننده محترم هر دو واو را مصوت بلند تصور کند و در تلفظ نام دچار لغزش شود. لذا برای رفع این گونه ابهام‌ها تا حد امکان برای نمایش مصوت کوتاه ضمه، به جای واو، از علامت ضمه بهره‌برده‌ام و در این مثال خاص نام «Scotus» را «اسکُتوس» ضبط کرده‌ام. همچنین شایان ذکر است که مترجم برای یافتن ضبط

1. Pasquale

2. Università di Torino

3. Henry of Ghent

صحیح اسامی به منابع فارسی و غیرفارسی و همچنین مکتوب و غیرمکتوب فراوانی رجوع کرده است. بعضی متفکران مطرح در مقالات این کتاب چندان شناخته شده نبودند، لذا امید دارم که لغزش‌های احتمالی در ضبط اسامی ایشان یا دیگر اسامی در آینده اصلاح شوند.

مقتضی است صمیمانه از کوشش‌های استاد گرانقدر، آقای دکتر سعید انواری، قدردانی کنم. ایشان، علاوه بر نگارش پیش‌گفتار، تمامی ترجمه‌ها را به دقت بازبینی کردند و رهنمودهای بسیار سودمندی به مترجم دادند. این رهنمودها از ناپختگی‌های ترجمه کاستند و بسیاری از سوءبرداشت‌های موجود در آن را برطرف کردند. در پایان، رهین صبر و مهربانی خانوادۀ محبوبم هستم.

علی نیک‌زاد